

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۱۲

موضوع: فرازهایی از نامی آن جناب در نکوهش حاکمان ظالم و عالمان وابسته به آنان

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند را چنانکه سزاوار است نشناختند، هنگامی که حاکمانی جز او اختیار کردند و به احکامی جز احکام او گردن نهادند و درباره اش چیزی گفتند که به آن دانشی نداشتند، هنگامی که گفتند: خداوند ما را به این فرمان داده است، در حالی که خداوند به شرک فرمان نمی دهد، ولی آنان بر او دروغ بسته اند...

راهزنان راه خدا مردم را از کتاب خدا و خلیفه ی او بازداشتند و به خود مشغول کردند، چونانکه کودک را از پستان مادر باز می دارند و به پستانک مشغول می کنند! سپس پی آمد این راهزنی آن شد که مردم به تقلید از آنان معتاد شدند و دیری نگذشت که از چالهی تقلید در فروع، به چاه تقلید در اصول درافتادند و آنان را بر آخرت و دنیای خویش مسلط ساختند و ولایت شان بر خویش را چونان ولایت خداوند گردن نهادند و آنان را خداوندگاران جز خداوند گرفتند؛ مانند یهودیان که با کاهنان خویش چنین کردند و آنان را در فترت پیامبران به خداوندگاری گرفتند و چون پیامبری برای آنان ظهور می کرد، به اشاره ی آنان او را تکذیب می کردند یا به فتوای آنان او را می کشتند؛ زیرا هیچ پیامبری برای آنان ظهور نمی کرد، مگر اینکه بر ضد کاهنان شان سخن می گفت و از روی ریاکاری ها و خیانت هایشان پرده بر می گرفت...

به راستی که کتاب خدا را پشت سر انداخته اید و خلیفه ی او را ضایع گذاشته اید و عقل را در پای خواهش هایتان ذبح کرده اید و این چندان شگفت نیست؛ زیرا شما بیش از هزار سال است که از عصر پیامبران دور شده اید و روزگار فترت بر شما درازی یافته است و اکنون خَلَفِ گذشتگانی هستید که نه پیامبری را دیدند و نه وصی پیامبری را، پس دین را از آنان میراث بردید؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُ الَّذِي أَخَذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ

مِثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّهُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۱؛ «سپس به جای گذشتگان، خَلَفی آمده‌اند که دین را از آنان میراث برده‌اند، پس پیش‌نهادهای این دنیا را می‌گیرند و می‌گویند که ما آموخته‌ایم و اگر چیز دیگری برایشان پیش‌نهاد شود آن را نیز می‌گیرند! آیا پیمان دین از آنان گرفته نشده بود و درس آن را نخوانده بودند که به خداوند جز حق نسبت ندهند و سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکارند بهتر است؟! آیا خرد نمی‌ورزید؟! پس پا بر جای پای پدرانمان نهادید و ذریه‌ای پس از آنان بودید؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ﴾»^۲؛ «یا بگویند: همانا پدرانمان از پیش شریک گرفتند و ما نیز ذریه‌ای پس از آن‌ها بودیم، آیا پس ما را به آنچه اهل باطل کردند هلاک می‌کنی؟!...»

زنهار فریب ظاهر آنان را نخورید و خام القائات آنان نشوید؛ زیرا آنان مانند شیاطینند که از راست به سراغتان آمده‌اند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ﴾»^۳؛ «گویند شما از راست به سراغ ما می‌آمدید!» در حالی که راست و چپ هر دو بیراهه‌اند و به یک انجام می‌انجامند و آن همانا آتش است که بد انجامی برای گمراهان است. دین خدا را با کتاب او و خلیفه‌اش بشناسید، نه با آراء رجال؛ زیرا کسانی که دین خدا را با آراء رجال شناخته‌اند، دین خدا را شناخته‌اند...

آن‌گاه به پشتوانه‌ی این منزلت که خداوند برای آنان قرار نداده است، هر مسلمانی که تسلیم حکم آنان نشود و از اهواء آنان پیروی نکند را آزار می‌دهند و تعرض به مال و جان و آبروی او که خداوند محترم داشته است را حلال می‌دانند و برخی عمال آنان که تحت فرمانشان کار می‌کنند در زمین تباهی می‌انگیزند و برخی پیروانشان که بیشترشان سفیهانند، از مخالفانشان براءت می‌جویند، چونانکه گویی مخالفان خداوند بوده‌اند و در میان آنان بدبخت‌هایی هستند که برای آنان می‌کشند و کشته می‌شوند!...

اینان هنوز بالغ نشده بودند که فریاد زدند و هنوز بال در نیاورده بودند که پرواز کردند و هنوز شنا نیاموخته بودند که به دریا پریدند! پس جامه‌ای را بر تن نموده‌اند که برای آنان بزرگ است و کفشی را بر پا کرده‌اند که از پایشان باز می‌ماند! بزرگ‌تر از دهانشان لقمه برداشته‌اند و بیشتر از شکمشان طعام خورده‌اند، پس نزدیک است که دنده‌هایشان از هم گسسته شود!

۱. الأعراف / ۱۶۹

۲. الأعراف / ۱۷۳

۳. الصافات / ۲۸

مانند راهبان جامه می پوشند، ولی مانند کافران می اندیشند و مانند صالحان سخن می گویند، ولی مانند جبّاران عمل می کنند! چونان مارهایی خوش خط و خالند که درونی آکنده از زهر دارند! بامدادان برای ستم بیرون می آیند و شامگاهان برای نیرنگ به خانه باز می گردند! دل هاشان از کبر و آز آکنده است و جز حفظ قدرت شان سودایی در سر ندارند! مستکبران را نکوهش می کنند، در حالی که خود از زمره ی آنانند و مدّعیان را دروغگو می شمارند، در حالی که خود ادّعی آنان را دارند! دین را فدای سیاست کرده اند و آخرت را به دنیا فروخته اند! گناهان بزرگ کرده اند و بدعت های زشت نهاده اند! نااهلان را به منصب ها گماشته اند و فرومایگان را به مقام ها رسانده اند! نیکان را منزوی ساخته اند و خیر خواهان را بدنام نموده اند!...

به خدا سوگند، اگر در منطق آنان بنگرید آن را بسی سست می یابید و اگر حجت شان را بررسی آن را بسی ناتمام می بینید. افکارشان پریشان و اقوال شان متناقض است؛ چراکه خداوند برای آنچه می گویند برهانی نازل نکرده است و آنان به او نسبت دروغ می دهند...

مگر کسانی از آنان که نیتی نیکو دارند و چون دعوت خداوند را می شنوند، اجابت می کنند و به سوی او باز می گردند و از صف ظالمان بیرون می آیند؛ چراکه آنان از زمره ی پرهیزکارانند و عاقبت برای پرهیزکاران خواهد بود، هنگامی که گناهانشان آمرزیده می شود و خطاهایشان از یاد می رود و در بهشت هایی داخل می شوند که از زیر آن ها نهرها جاری است، تا پاداشی برای صبرشان باشد و خداوند را پاداشی بزرگ است...

چرا هیچ یک از آنان که در زمین مکنت داده شدند به سوی خلیفه ی خداوند در آن فرا نخواندند و از مال و سلاح خود به او نبخشیدند تا مانند آنان در آن مکنت داده شود؟ آیا ترسیدند که از مکنت شان در آن کاسته شود؟ لاجرم همه ی مکنت شان در آن را از دست خواهند داد هنگامی که خلیفه ی خداوند در آن به مکنت می رسد، تا جایی که خوشبخت ترین آنان کسی خواهد بود که گوسفندان قریه ی پدرش را می چراند! آیا حاکمی در دنیا یافت نمی شود که حکومت خود در آن را بفروشد، در ازای اینکه برایش حکومتی در بهشت باشد؟ هرآینه خداوند به گرفتن حکومت آنان با قهر قادر است، ولی می خواهد که آن را با رغبت به او بسپارند...

حقیقت این است که شما از بیم انحراف به چپ، به راست منحرف شده اید و از بیم تفریط، به افراط دچار آمده اید و از بیم آتش، به درون آن پریده اید! در حالی که خداوند شما را امت میانه قرار داده و از چپ و راست بر حذر داشته و فرموده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ

أُمَّةً وَسَطًا؛ «و این چنین شما را اُمّتی میانه قرار داده ایم». پس جز ولیّ او اولیائی نگیرید که بدبخت می شوید و جز راه او راه‌هایی نپوید که گمراه می شوید! هرآینه من برای شما برادری خیرخواه هستم. آیا می خواهید از کسانی باشید که در روز رستاخیز می گویند: ﴿رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾؛ «پروردگارا! ما از حاکمان و بزرگانمان اطاعت کردیم پس آنان ما را گمراه کردند»؟! ...

زنهار! شیطان شما را نفریبد که توهّم اضطرار کنید و بگویند که اینان برای ما از دیگران بهترند و ما را از اینان گزیری نیست و دفع افسد به فاسد می کنیم؛ چراکه اگر شما تقوا پیش گیرید و راضی به فاسد نشوید و از پیروی طاغوت بپرهیزید، خداوند برای شما از جایی که نمی پندارید راهی می گشاید و شما را دو بهره از رحمتش ارزانی می دارد و برای شما نوری قرار می دهد تا در پرتو آن گام بردارید و کوتاهی گذشته‌ی تان را می بخشاید؛ چراکه او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى﴾؛ «و کسانی که از پیروی طاغوت بپرهیزند و به سوی خداوند باز گردند، برایشان بشارت است». اینک من شما را بشارت می دهم: خداوند هرگز بندگان خویش را میان بد و بدتر سرگردان نساخته و او حکیم‌تر و کریم‌تر از آن است که چنین کرده باشد، بل برای آنان ورای بد و بدتر، خوبی قرار داده است، ولی بیشتر آنان از آن بی خبرند. اکنون من بیرون آمده‌ام تا شما را از آن خبر دهم و پس از روزگاری که بر شما دراز آمده است، پرده از روی آن برگیرم، باشد که بصیرت یابید. اکنون من برای شما پیامی آورده‌ام که در آن برای شما فرج است و شاید خداوند کاری را آغاز کرده که بر شما پوشیده باشد؛ چراکه او بر هر کاری تواناست. پس اگر پایم بر زمین استوار ماند و کسانی که می خواهند خدا پرستش نشود من از روی آن بر نداشتند، با شما سخن خواهم گفت و حق را آشکار خواهم ساخت، چندان که کودکان آن را از بر کنند و زنان خانه نشین به آن مثل زنند و اگر پایم گرفته شود و از روی زمین برداشته شوم باکی ندارم؛ چراکه از پدرانم بهتر نیستم و جانم از جان آنان گرامی تر نیست و چه شیرین است برای من پیوستن به آنان، در حالی که از کتاب خدا و سنت پیامبرش پیروی نموده‌ام و در اسلام بدعتی وارد نکرده‌ام و مدّعی چیزی که برای من نیست نشده‌ام و در زمین برتری نجسته‌ام و تباهی نینگیخته‌ام و تکلیف خویش در قبال قومم را انجام داده‌ام؛

۱. البقرة / ۱۴۳

۲. الأحزاب / ۶۷

۳. الزمر / ۱۷

و چه بهتر است برای من مرگ از زیستن در جهانی که با ظلم انباشته شده و از مردارِ سگ نجس‌تر گردیده است! بی‌تردید، بازگشت من به سوی خداوند است و او میان من و کسانی از شما که من را خوار دارند و ستم کنند، داور خواهد بود. به کسانی از شما که حق را بشناسند و بر سرِ آن ایستادگی کنند وعده داده است که آنان را در زمین مکنت دهد و آیین پسندیده‌ی شان را برایشان بگستراند و ترسشان را پس از دیری به امنیّت تبدیل نماید، تا او را به پیراستگی بپرستند و کسی را با او شریک ن سازند. آن‌گاه کسانی که بر خداوند دروغ بستند از رحمت او نومید خواهند شد و خواهند دانست که او را در زمین عاجز نتوانند کرد و خداوند به وعده‌ی خود وفا می‌کند و او را نوری است که گستراننده‌ی آن است، هر چند کافران خوش ندارند. هنگامی که سخنانِ گوناگون شنیده می‌شود و هر کس از سویی ندایی سر می‌دهد، از سخنی پیروی کنید که با سخن خداوند و پیامبرش سازگارتر است و به ندایی پاسخ دهید که با ندای عقل هماهنگ‌تر است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ ۝ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝﴾؛ «بشارت بده بندگانم را؛ همانان که سخنان را می‌شنوند و از بهترینشان پیروی می‌کنند، آنان همانا کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است و آنان همانا خردمندانند» و این گونه با شما مکاتبه کردیم، باشد که شما متذکر شوید و به سوی حق باز گردید و پروردگارتان را با آیینی پیراسته برای او بپرستید و از پرستش طاغوت، اگر چه در ردای اسلام باشد پرهیزید و برای عدالت به پا خیزید تا فتنه از زمین برفتد و دین همه‌اش برای خدا باشد و کسانی که درباره‌ی آیات او مجادله می‌کنند بدانند که آنان را گریزگاهی نیست و درود بر کسی که پیرو هدایت است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیمی خراسانی



۱. الزمر / ۱۷-۱۸

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیمی خراسانی حفظ الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.